خبر ویژه

خطر تعطیلی صنعت ۵۰ ساله در ایران

بلای موبایل را سر صنعت تلویزیون نیاورید

● محمدرضا شهیدی، دبیر انجمن تولیدکنندگان لوازم صوتی و تصویری در پاسخ به ابهامات مطرح‌شده، توضیحاتی درباره صنعت تلویزیون در ایران به زبان آورده است.وی با اشاره به این نکته که ایران از سال ۱۳۴۳ در حال تولید تلویزیون است، گفت: میزان اشتغال در بخش تولید تلویزیون درحال‌حاضر حدود ۲۴ هزار نفر، میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در کارخانجات تولید تلویزیون حدود هشت هزار میلیارد تومان است و قدمت تولید تلویزیون به بیش از ۵۰ سال می‌رسد. وی گفت: برندهای سامسونگ، الجی، صنام، تی‌سی‌ال، پاناسونیک، سونی، هایر، وستل، شهاب، پارس، ایکس‌ویژن و دیگر برندها با بیش از ۱۴۰ مدل از ۲۲ اینچ تا ۷۵ اینچ به وسیله شرکت‌های ایرانی تولید می‌شود و همه کارگران، مهندسان و مدیریت آن ایرانی است و فقط در برخی خطوط کنترل کیفیت در برندهای خارجی از کارکنان شرکت اصلی حضور دارند و کیفیت تولیدات تلویزیون در داخل کشور کاملا مانند مشابه خارجی آن است؛ همچنین شبکه گسترده خدمات (حدود دوهزارو ۵۰۰ نمایندگی) پس از فروش در تهران و شهرستان‌ها و حتی شهرستان‌های کوچک نیز وجود دارد و به مشتری‌مداری به صورت جدی تأکید شده است و کمترین میزان شکایت مشتریان اعلام شده است. به گفته وی حدود دو میلیون دستگاه تلویزیون نیاز سالانه کشور را برآورده می‌کند که از این مقدار یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار دستگاه تولید داخل است. او می‌گوید: قاچاق تلویزیون کاملا به صورت علنی وجود دارد و در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فروش کالاهای قاچاق با تحویل در منزل صورت می‌گیرد. شهیدی در پاسخ به سؤالی درباره موضوع رعایت‌نکردن قاعده دو الف در گمرک و واردات قطعات نیز گفت: احترام به قوانین و رعایت همه قوانین گمرکی و قواعد عمومی برای تفسیر سیستم هماهنگ‌شده سازمان جهانی گمرک را که ایران عضو آن است، وظیفه خود می‌دانیم که متأسفانه برداشت غلطی از تفسیر بند دو الف شده است. طبق ماده ۱۴۴ قانون امور گمرکی مصوب ۹۰/۶/۷ مجلس شورای اسلامی در صورت وجود اختلاف بین صاحب کالا و گمرک، موضوع به کمیسیون رسیدگی به اختلاف گمرکی متشکل از نمایندگان گمرک، وزارت صنعت و معدن، اقتصاد و دارایی و اتاق بازرگانی و اتاق تعاون ارجاع داده می‌شود و بعد از آن نیز قابل طرح در دیوان عدالت اداری است. دبیر انجمن تولیدکنندگان لوازم صوتی و تصویری خاطرنشان کرد: درباره مورد مطروحه فعلی، قبل از ارجاع به کمیسیون اختلافات گمرکی موضوع اعلام شد و این در حالی است که سالانه ده‌ها نامه از این موارد به واحدهای تولیدی زده می‌شود و پس از طرح در کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات گمرکی و تجدیدنظر گمرکی به نفع یا علیه واردکننده قطعات، رأی صادر می‌شود که تقاضای انجمن صنفی تولیدکنندگان تلویزیون این است که این موضوع نیز به دور از جنجال طبق قوانین و بدون تأثیرگرفتن از جو ساخته و رسیدگی شود. در قاعده دو الف تأکید شده است که باید مشخصات اساسی شیء کامل‌شده را داشته باشد. در تولید تلویزیون قطعات ریز مانند خازن، مقاومت، ترانزیستور و میکروچیپ‌ها هیچ‌کدام مشخصه شیء تمام‌شده را ندارد و حدود هزارو ۲۰۰ قطعه ریز و درشت با انجام امور کاری پیچیده و سخت و مهندسی دقیق و ماشین‌آلات پیشرفته کنار هم قرار می‌گیرد و بعد نرم‌افزارهای مختلف روی آن نصب می‌شود تا بتواند تبدیل به تلویزیون شود. وی گفت: سطح تولید تلویزیون در ایران از کشورهای همسایه و آسیای میانه و اروپا پایین‌تر نبوده؛ اما هیچ‌یک از کشورها این‌گونه علیه تولیدکننده اقدام نمی‌کنند. تفسیری که دفتر بازبینی از قاعده دو الف گمرک داشته، دست‌کم درباره تلویزیون پاسخ‌هایی مستدل و منطقی و کارشناسی دارد و این تفسیر برای همه کشورها لازم‌الاجراست و بیش از ۳۰ کشور که تولید تلویزیون در آنها انجام می‌شود (مانند هند، پاکستان، ترکیه، مصر، قزاقستان، روسیه، لهستان، برزیل و...) هیچ‌کدام تولیدکننده پنل نیستند و از صدها کارخانه تولید تلویزیون فقط شش کارخانه در دنیا پنل تولید می‌کنند و بقیه کشورها واردکننده آن هستند و تاکنون در هیچ‌یک از کشورها این تفسیر درباره قاعده دو الف به این صورت، دست‌کم در زمینه تلویزیون، انجام نشده است. او با توضیح این نکته که تجربه مشابهی در صنعت موبایل ایران وجود داشته، گفت‌وگوی خود را چنین تمام کرد: درحال‌حاضر صنعت تلویزیون سالانه بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان با عناوین مختلف حقوق ورودی، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر درآمد، بیمه و... به دولت پرداخت می‌کند که در صورت این‌گونه تفسیر قواعد جهانی گمرک و تعیین مبلغ جریمه‌ای که چندین برابر سرمایه و دارایی شرکت‌ها است و قابل وصول نیز نخواهد بود، تعطیلی کارخانجات تولید تلویزیون و بی‌کاری هزاران کارگر و جایگزینی مستقیم قاچاق را به دنبال خواهد داشت که قطعا مد نظر مسئولان عالی نظام نیست؛ این همان اتفاقی است که برای تولید موبایل در گذشته افتاد و فقط قاچاق آن رواج پیدا کرد و راه‌حل کم‌کردن قاچاق با پاک‌کردن صورت‌مسئله و پایین‌آوردن حقوق گمرکی و تعطیلی و ورشکستگی سه کارخانه تولیدی انجام شد.

وزیر اقتصاد در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق»:

بابک زنجانی بزرگ‌ترین بدهکار بانکی نیست

شهرداری تهران یکی از بدهکاران بزرگ سیستم بانکی است

عکس: فرزانه اوجی، روابط عمومی وزارت اقتصاد

مهتاب قلی‌زاده: می‌گوید: «در دولت بعدی نخواهم ماند. امکان ندارد». خسته است؛ صورتش نسبت به سه‌سال‌ونیم پیش که تازه آمده بود، شکسته شده و موهایش سفیدتر. گفت‌وگو تمام شده و او دم در ایستاده تا عکاس، عکس‌هایش را بگیرد؛ می‌پرسم: چرا؟ به‌دلیل چندصدایی میان مردان اقتصادی کابینه؟ می‌خندد و می‌گوید: «صدا؟ من که صدایم اصلا درنمی‌آید». باز هم اصرار می‌کنم و سر درددلش باز می‌شود: «بمانم که چه؟ می‌روم دانشگاه درسم را می‌دهم، انتقادم را می‌کنم، کارهای پژوهشی‌ام را پیش می‌گیرم، حقوقم هم بیشتر است، فحش هم کمتر می‌خورم». بودن در رأس هرم مردان اقتصادی دولت، برایش اغواگر نیست؛ آن‌قدر اذیت شده که عطای وزارت را به لقایش بخشیده است و می‌خواهد برود. می‌گوید: تنها در هفته گذشته، سه‌بار اورژانس به‌سراغش آمده است. علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد دولت ایران، در اتاقی نیمه‌مجلل و در مقر وزارت اقتصاد در خیابان باب‌همایون، میزبان «شرق» است؛ کمی آن‌سوتر، مال‌خرها و داروفروشان غیرمجاز، خیابان ناصرخسرو را قرق کرده‌اند. سوی دیگر ساختمان وزارت هم در میدان «توپخانه» دست‌فروشان بساط کرده‌اند و فریاد می‌زنند. کت‌وشلوار روشن طیب‌نیا، از آنچه هست، چاق‌تر و پیرتر نشانش می‌دهد؛ مصاحبه تمام شده و درددل می‌کند: «آنچه می‌بینید و گفته می‌شود، همه‌چیز نیست؛ من می‌توانم شروع کنم و یک‌به‌یک بگویم در دولت پیش چه اتفاق‌هایی افتاده است؛ مواردی که ممکن است شوک‌آور باشد، اما من به فکر مصلحت مردم هستم؛ نمی‌خواهم از یک‌سو اعتماد عمومی سلب شود و از سوی دیگر سرمایه‌گذار خارجی انگیزه‌اش را از دست بدهد». فرصت برای این گفت‌وگو کوتاه بود؛ چیزی حدود نیم‌ساعت. آنچه در پی می‌آید، مشروح این گفت‌وگوی کوتاه است. پیش از رفتنش از او پرسیده شد: آیا تضمینی هست که سال ۱۳۹۶ هم تورم تک‌رقمی باقی بماند؟ با لبخند به در سالن اشاره کرد و گفت: «شما می‌توانید به من تضمین دهید از این در تا آسانسور زنده می‌روید؟».

پرسش نخست من درباره ۵۷۵ بدهکار دانه‌درشتی است که در دولت آقای روحانی به قوه قضائیه معرفی شده بودند. می‌خواهم بپرسم این افراد چه کسانی هستند؟ چرا وام‌های آنها معوق شده است؟ ارتباط آنها با برخی نهادهای خاص چیست؟ چرا با وجود اینکه چند ماه بیشتر از دولت آقای روحانی باقی نمانده است، همچنان از وصول مطالبات معوق آنها خبری نیست؟ تکلیف این بدهکاران دانه‌درشت چه شد؟ آیا اصلا از آنها پولی وصول شده است یا خیر؟ چند نفر از آنها دستگیر شده‌اند؟ آیا با افرادی خاص ارتباط داشتند؟ فرد دانه‌درشت‌تری از بابک زنجانی بین آنها وجود داشت یا خیر؟

اجازه دهید برای پاسخ به این چند سؤالی که در قالب یک سؤال مطرح کردید، ابتدا توضیحاتی که می‌تواند ماهیت مسئله را روشن‌تر کند، ارائه کنم یکی از مشکلات بزرگ بانک‌ها مطالبات غیرجاری آنهاست که بخش مهمی از منابع بانک‌ها را قفل کرده است و امکان اعطای تسهیلات را از بانک‌ها گرفته یا محدود کرده است، پس یکی از اولویت‌هایی که دولت از ابتدا در ارتباط با بانک‌ها داشت، پرداختن به مسئله مطالبات غیرجاری بود. در کنار مشکل کمبود سرمایه بانک‌ها و مشکل اموال و دارایی‌های مازاد و عموما بدون بازدهی بانک‌ها، مشکل بزرگ دیگر آنها مطالبات غیرجاری است. مطالبات غیرجاری بیشتر مختص به بخش خصوصی است و دلیل آن این است که مطالبات غیرجاری بانک‌ها از دولت هیچ‌گاه به‌شکل رسمی اعلام نمی‌شود؛ اگرچه در عمل به شکل غیرجاری جلوه داده شود. طلب بانک‌ها از دولت اکنون حدود صد هزار میلیارد تومان است؛ مطالباتی که با نظم مشخصی بازپرداخت نمی‌شود. زمانی که سخن از مطالبات غیرجاری می‌شود معمولا این بخش به حساب نمی‌آید. درحالی‌که آثار آن روی بانک‌ها کاملا مشابه با مطالبات از بخش غیردولتی است. درواقع، از نظر کاهش قدرت وام‌دهی بانک‌ها، هیچ تفاوتی ندارد بانک پول خود را به دولت دهد و نتواند آن را وصول کند یا پولش را به بخش خصوصی بدهد و نتواند وصول کند. اثرات آن در قدرت وام‌دهی بانک‌ها یکسان است. بنابراین ما تلاش کرده‌ایم به عامل بدهی دولت به بانک‌ها هم بپردازیم که اگر لازم بود، خواهم گفت دراین‌باره چه برنامه‌ریزی‌هایی انجام خواهد شد.

برای مسکن مهر چیزی حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان منابع از سوی بانک مرکزی تأمین شده و خط اعتباری در اختیار بانک مسکن قرار گرفته شده و به مردم پرداخت شده است؛ یعنی ۴۵ هزار میلیارد تومان از محل مسکن مهر به پایه پولی کشور اضافه شده است و این یعنی نقدینگی کشور بر اثر این سیاست دو برابر شد

آقای وزیر، پرسش مشخص من درباره ۵۷۵ بدهکار دانه‌درشتی بود که به قوه قضائیه معرفی شدند...

بله؛ درباره مطالبات از بخش غیردولتی، ابتدا لازم بود ما بدانیم دانه‌درشتان بدهکاران بزرگ چه کسانی هستند. بانک مرکزی فهرستی از بدهکاران بزرگ تهیه کرد. من درحال‌حاضر فهرست اسامی همراهم نیست و طبیعی بود اگر هم همراه داشتم اسامی افراد را نمی‌توانستم ببرم.

منتها اینها از طیف‌های بسیار متفاوتی هستند. فهرستی که بانک مرکزی درست کرده است براساس رقم بدهی است، نه براساس ماهیت یا دلیل وجود بدهی؛ اینکه بزرگ‌ترین بدهکار چه کسی است و این فهرست به همین ترتیب پایین آمده است. پانصدوخرده‌ای شخص در این فهرست حضور دارند؛ دقت کنید، شخص، نه نفر، به دلیل اینکه بعضی از آنها اشخاص حقیقی و بعضی از آنها اشخاص حقوقی هستند.

خب؛ بدهکارتر از بابک زنجانی هم در فهرست وجود دارد؟

آقای بابک زنجانی در فهرست بدهکاران بانکی خیلی هم بزرگ نیستند. اشتباه نکنید؛ در بدهکاران بانکی آقای بابک زنجانی جزء بزرگ‌ترین آنها نیست. فکر می‌کنم ایشان بزرگ‌ترین بدهکار به مجموعه دولت یا بانک‌ها به لحاظ رقم بدهی‌شان باشد که خب سه‌ونیم میلیارد دلار را شما به نرخ روز محاسبه کنید ببینید چقدر می‌شود.

خب؛ نفر نخست فهرست تهیه‌شده از سوی بانک مرکزی چه کسی بوده و چقدر بدهکار است؟ حقوقی است یا حقیقی؟ چرا به این افراد بدون ضمانت لازم منابع داده شده است؟

برای نمونه نفر نخست یا دوم این فهرست آقای امیرمنصور آریا بود. که به‌هرحال مسائل آن را می‌دانید. آقای «رستمی‌صفا» هم همین‌طور که پرونده آن به جریان افتاد. این آقایان جزء اولین نفرات این فهرست بودند.

بدهی‌شان چقدر بود؟

من اعداد دقیق را در ذهن ندارم؛ ولی این دو، سه نفر جزء بدهکاران بزرگ بودند. همان‌طور که اشاره کردم، این فهرست به‌ترتیب میزان بدهی تهیه‌شده است. درون آنها هم شخص حقوقی هم شخص حقیقی. هم نهادهای عمومی هستند و هم... مثلا فرض کنید «شهرداری تهران» یکی از بدهکاران بزرگ به سیستم بانکی بوده و بدهی آن «غیرجاری» است. به‌موقع هم پرداخت نمی‌شود و معوق شده است و «اصلا» پرداخت نمی‌شود. شهرداری تهران از جمله همان نهادهای عمومی‌ای است که گفته شد.

از آن ۵۷۵ نفر کسی دستگیر شده است؟

بله، آقای امیرمنصور آریا و آقای رستمی‌صفا.

به جز این دو، سه‌نفری که همه می‌دانند...

کاری که انجام شد این بود که بیاییم ببینیم منشأ این بدهی‌های غیرجاری چیست. چرا بدهی‌های غیرجاری در اقتصاد ما از نرم‌های تعیین‌شده و موردقبول بالاتر است. نکته این است که همه‌جای دنیا درصدی از بدهی‌ها معوق می‌شود. شما اگر به پیشرفته‌ترین اقتصادها و کارآمدترین نظام‌های بانکی هم دقت کنید، می‌بینید مقداری مطالبات غیرجاری دارند. مسئله مهم، نسبت آن به کل تسهیلات است؛ فرض کنید ممکن است دو یا سه درصد کل تسهیلات به شکل معوق دربیاید. ما این نسبت را در ایران همان ماه‌های نخست آغاز به‌کار دولت یازدهم، ۱۴ درصد برآورد کردیم. اکنون این نسبت کاهش پیدا کرده و حدود ۱۱ درصد است. با وجود اینکه باید در شرایط کسادی اقتصادی این نسبت بالا می‌رفت، اما خب این نسبت کاهش پیدا کرده است. طبیعی بود ما باید بررسی می‌کردیم تا روشن شود این نسبت چرا در اقتصاد ایران و در سیستم بانکداری ایران بسیار بالاست. این کار انجام شد.

و نتیجه؟

درواقع دلایل متعددی دارد. از زمانی که اعطای تسهیلات به یک پروژه انجام می‌شود، باید بررسی شود آیا این کار درست است و توجیه فنی و مالی دارد یا خیر؟ اگر پروژه‌ای توجیه مالی نداشته باشد و تسهیلات به آن پرداخت شود -کاری که می‌دانید با فشارهای سیاسی و غیرسیاسی یا تعاملات ناسالمی که بین بانک و وام‌گیرنده ممکن است برقرار شود- طبیعی است این پروژه در بازپرداخت دچار مشکل خواهد شد.

مشکل وثایق کافی و مناسب، مشکل دیگری است. در مقاطع مختلف بانک‌ها تحت فشار بودند که با درخواست‌کنندگان وام از نظر پذیرش وثیقه با تساهل برخورد کنند؛ مثلا برای دریافت وثیقه خود پروژه را به‌عنوان وثیقه بپذیرند یا وثایقی را بپذیرند که کافی نبود؛ طبیعی است اینها در بازپرداخت و بازدریافت بانک‌ها دچار مشکلاتی جدی شدند. این دلیل دیگری بوده است که برخی از بانک‌ها با مشکل در دریافت اقساط وام‌های پرداختی‌شان مواجه شده‌اند.

به‌هرحال، دلایل متعددی وجود دارد که با این مشکل در گذشته مواجه شدیم. شرایط خاصی هم در سال‌های گذشته به‌وجود آمد؛ به‌ویژه زمان جهش نرخ ارز، افرادی که بدهی‌شان به پول خارجی بود و به ارز وام گرفته بودند و بالتبع باید به ارز بازپرداخت می‌کردند و یکباره نرخ ارز تقریبا سه برابر شد. ممکن بود طرح در ابتدا با نرخ متعارف دارای توجیه بود، اما افزایش نرخ ارز باعث شد آن پروژه توجیه اقتصادی خود را از دست دهد و دیگر نتواند خودش را بازپرداخت کند. می‌خواهم بگویم مجموعه‌ای از عوامل باعث شده است این پدیده شکل بگیرد.

به این سؤال پاسخ ندادید که ارتباط آنها با نهادهای خاص، روشن شده است یا خیر اتفاقا در سخنانتان اشاره کردید بانک‌ها در برخی موارد برای دریافت وثیقه زیر فشارهای سیاسی و روابط بودند...

بله؛ اما واقعیت این است نوع بدهکاران بسیار متفرق و متعدد است. یعنی با شخصیت‌های حقوقی متفاوت مواجه هستیم و پاسخ شما «مثبت» است؛ یعنی امکان آن وجود دارد که زمانی در تسهیلات داده‌شده، فشارهایی بوده باشد.

به این سؤال هم جواب ندادید: چرا با وجود اینکه چند ماه از عمر دولت بیشتر باقی نمانده است، خبری از وصول این مطالبات نیست؟

به گمان من، بانک‌های ما اکنون در وصول مطالبات غیرجاری خیلی خوب عمل کرده‌اند؛ با توجه به اینکه ما چند سال بسیار سخت و یک شوک بزرگ ارزی را پشت‌سر گذشته‌ایم که بازپرداخت بدهی را بسیار سخت کرد و معمولا هم در دوره کسادی نسبت مطالبات غیرجاری افزایش پیدا می‌کند. ما شاهد کاهش در نسبت مطالبات غیرجاری در کل سیستم بانکی‌مان بودیم و در برخی از بانک‌های ما این نسبت به‌شدت کاهش پیدا کرده است. برای نمونه فرض کنید در بانک ملی نسبت مطالبات غیرجاری از حدود ۱۳، ۱۴ درصد تا هشت درصد پایین آمده و کاهش پیدا کرده است. در بانک سپه که در دریافت خیلی موفق بوده و مهم هم این است که بخش بزرگی از وصول به شکل نقدی انجام شده است؛ یعنی برای اینکه طلبی از حالت غیرجاری خارج شود، دو حالت قابل‌تصور است: یکی اینکه استهمال به آن دهند و از نو تقسیطش کنند که به‌ظاهر جاری می‌شود ولی درواقع پولی دریافت نشده و روش دوم این است که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از آن را پول نقد بگیرید. اگر درست به خاطر داشته باشم بانک ملی، از بدهکارانش هشت هزار میلیارد تومان پول نقد دریافت کرده است. بنابراین بخش قابل‌توجهی از اینها را پول نقد دریافت کرده است؛ پس نسبت مطالبات غیرجاری کاهش پیدا کرده است. کمیته‌ای در بانک مرکزی تشکیل شد، نمایندگان دولت، قوه قضائیه و نهادهای نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور و نماینده وزارت اقتصاد در این کارگروه حضور دارند. این کارگروه موردبه‌مورد، وضعیت بدهکاران را بررسی و راجع‌به آنها تصمیم‌گیری می‌کند. مشکلی که وجود دارد این است که بخش بزرگی از این بدهکاران وثایق کافی ندارند، در عین‌حال دارایی کافی هم ندارند؛ یعنی برای نمونه اکنون یکی از بدهکاران بزرگ که هشت‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان به سیستم بانکی بدهکار است، کل دارایی و اموالش از دوهزارو ۵۰۰ میلیارد تومان بیشتر نیست؛ حالا ما می‌خواهیم با این بدهکار چه کنیم؟ همه اموال و دارایی‌هایش را تملیک و خودش را اعدام کنیم؟ خب با همه این کارها باز هم چیزی حدود شش هزار میلیارد تومان از اموال و دارایی‌های سیستم بانکی که درواقع مال مردم است سوخت شده و از بین رفته است؛ امکان وصول هم ندارد. واقعیت این است بانک، زمانی که تسهیلات داده نظارت نکرده یا پروژه توجیه کافی نداشته است؛ اکنون کل اموال و دارایی‌های بدهکار پاسخ‌گوی بخش کوچکی از بدهی‌اش است.

ادامه در صفحه ۱۵

گذر

افشای تخلفات ۲ واردکننده خاص خودرو

● **ایسنا:** رئیس اتحادیه صنف نمایشگاه‌داران و فروشندگان خودرو تهران از برخی تخلفات شرکت‌های بزرگ واردکننده خودرو از جمله دو شرکت خاص خبر داد.سعید مؤتمنی، اظهار کرد: با تصمیمات اخیر وزارت صنعت، معدن و تجارت، واردات خودرو محدود و منحصر به شرکت‌های نمایندگی مستقیم خودروسازان خارجی شده است.او با بیان اینکه این شرکت‌ها از خودروسازان خارجی نمایندگی دارند؛ اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده رفتار درستی با مصرف‌کنندگان ندارند، خاطرنشان کرد: برای مثال دو شرکت بزرگ واردکننده خودرو دارای پرونده‌های متعددی در سازمان تعزیرات به دلیل نقض حقوق مصرف‌کنندگان هستند.رئیس اتحادیه صنف نمایشگاه‌داران و فروشندگان خودرو تهران ادامه داد: یکی از پرونده‌ها مربوط به عملکرد یک شرکت بزرگ واردکننده خودرو در سال ۱۳۹۰ یا ۱۳۹۱ و قبل از بحران ارزی بود. در آن زمان این شرکت یک خودروی وارداتی کره‌ای را به قیمت ۱۱۷ میلیون تومان به مشتریان فروخت؛ اما پس از آن به دنبال افزایش نرخ ارز از تحویل خودرو به خریداران خودداری کرده و از آنها خواست ۷۰ میلیون تومان دیگر پرداخت کنند و در نهایت این خودرو را با قیمت حدود ۱۸۷ میلیون تومان تحویل مشتریان داد.وی افزود: این اتفاق در حالی روی داد که بررسی‌های انجام‌شده نشان داد خودروهای کره‌ای مربوطه تا تیرماه آن سال وارد ایران شده بودند و طبیعتا افزایش نرخ ارز تأثیری روی قیمت این خودروها نداشته، زیرا قبل از رشد نرخ ارز وارد شده بودند. مؤتمنی با بیان اینکه یک شرکت بزرگ دیگر واردکننده خودرو نیز در دوره‌ای پول مشتریان را دریافت کرده و به جای واردات، با پول مشتریان این خودروها را از بازار داخلی تأمین می‌کرد و تحویل می‌داد، تصریح کرد: این شرکت‌ها در تعزیرات پرونده‌های مختلفی به دلیل تخلفات انجام‌شده از جمله تأخیر در تحویل خودروهای فروخته‌شده دارند.او خاطرنشان کرد: متأسفانه مفاد قراردادهای فروش شرکت‌های نمایندگی مستقیم خودروسازان خارجی در ایران یک‌طرفه و به ضرر مشتریان است و باعث متضررشدن آنها می‌شود.